

م ۲۰۰۹/۰۸/۹

نوشته و اسيلي متروخين، بايگان ارشد كي جي بي

برگرداننده به دري: داکتر حميد سيماب

كي جي بي در افغانستان



قسمت سيزدهم

تخم و ترکه كي جي بي

ارگان های امنیتی دولت افغانستان در سال ۱۹۸۰ روی خطوط تشکیلاتی کی جی بی بازسازی شده و با شور و اشتیاق آموزش های آنرا فرا می گرفتند. ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی (خاد) در همه ۲۹ ولایت و همه ولسوالی ها و علاقداری های کشور فعال بود. کارکنان خاد از ۷۰۰ نفر در جنوری ۱۹۸۰ به ۱۶۶۵۰ نفر در سال ۱۹۸۲ از دیاد یافت که ۵۶٪ آنها اعضای ح.د.خ.ا. و ۲۸٪ آنها اعضای سازمان دموکراتیک جوانان بوده به ۶۳ کمیته حزبی تعلق داشتند. اینان آموزش عملیاتی خود را در اتحاد شوروی و در یک مرکز آموزشی در کابل فرا می گرفتند. ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی مشتمل بر ۱۱ بخش عملیاتی (اوپراتیفی)، ریاست امور سیاسی، ریاست کارمندان و پرسونل و ۱۱ بخش خدمات فرعی و امدادی بود.

در آگست ۱۹۸۱ کارمل رضائیت کامل خود را از کار کی جی بی در افغانستان ابراز داشته گفت که به اندروپوف رئیس عمومی کی جی بی ارادتمندی خاص دارد. وی اظهار داشت که کی جی بی تحت رهبری اندروپوف سهم نهایت با ارزشی در تاسیس جمهوری دموکراتیک افغانستان ایفا کرده و با فراهم ساختن امکان برقراری امنیت و مصئونیت مؤثری که برای اولین بار در تاریخ افغانستان سراسر کشور و همه لایه های اجتماعی مردم را در بر می گیرد در دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور نقش پر ارزشی را بازی کرده است. به گفته او کی جی بی کار را از «زیر صفر» آغاز کرده بود. در یک گردهمایی افسران ارشد و کارمندان عملیاتی خاد در می ۱۹۸۲ کارمل اظهار داشت که «خاد به یک نیروی واقعی رزم و مبارزه علیه دشمنان انقلاب ثور مبدل گشته است».

مبارزه مسلحانه علیه شورشیان بخش عمده کار ارگان های امنیتی بود ولی خاد اکنون بیشتر درگیر تدابیر عملیاتی اجتنوری شده بود. در شبکه عوامل و ایجت های ارگان های امنیتی ۹۵۰۰ مخبر شامل بودند. تصفیه های پیشگیری کننده منظم در کابل انجام می شد. برای این منظور ۲۶۹ گروه عملیاتی ایجاد شده ۸۲۴۰ عضو قوای مسلح، ۱۳۹۲ عضو خاندوی، ۵۴۰ عضو خاد و اضافه از ۱۷۰۰ تن از فعالین حزبی در چنین عملیات ها

سهم داشتند. از ۲ تا ۸ فروری ۱۹۸۱ آنها ۹۶۰۰ خانه را تلاشی و ۴۵۷۷ مرد جوانی را که از خدمت عسکری سرباز زده بودند به کندک های تجمع گسیل کردند. ۷۱ تن بشمول پنج عضو سازمان متمایل به چین «وطنپرستان آزادیخواه» و پنج عضو سازمان شیعی «نصر» گرفتار گردیدند. از حزب اسلامی گلبدین کارت های عضویت ۵۰۰۰ تن بدست آمد و پسانتر ۵۰۰ عضو بخش کابل آن حزب که شامل ۱۲۷ تن نظامی می شدند کشف و دستگیر گردیدند. آنها بایگانی (آرشیف) سازمان مائویستی «پیکار» را کشف و اعضای آنرا دستگیر کردند. رهبر مخفی «جمعیت اسلامی افغانستان» بگیر افتاد و در طی تحقیق اسامی ۸۲۵ نفر را افشا ساخت. از رهبران جمعیت دوازده تن به خدمت خاد جذب شده و دوباره به داخل صفوف مبارزان مخفی نفوذ داده شدند.^۱

بتاریخ ۲ مارچ عملیات «عالمگیر» پیاده ساخته شد. هواپیمایی که متعلق به خط هوایی دولتی پاکستان بود توسط گروهی از دهشت افغانان پاکستانی به رهبری مرتضی بوتو^۲ حین پرواز بطرف آلمان غربی روده شده و در فرودگاه کابل به نشست وادار ساخته شد. هواپیما ربایان رهایی همه زندانیان سیاسی در پاکستان را تقاضا می کردند. مرتضی بوتو پیش ازین سه بار از کابل بازدید کرده و با نجیب الله رئیس خاد دیدار کرده بود. آنها راه های مقابله با رژیم پاکستان را مورد گفتگو قرار داده و در پایان سال ۱۹۸۰ روی اختطاف هواپیما توافق کرده بودند. در شب ۲ بر ۳ مارچ نجیب الله، در حالیکه یونیفورم کارگران فرودگاه را بتن داشت، شخصاً با مرتضی بوتو در بالای پلکان هواپیما ملاقات کرد. اقامتگاه و نمایندگی کی جی بی به نجیب الله مشوره می دادند چگونه از وضعیت علیه پاکستان بهره برداری سیاسی کند. مرتضی بوتو تقاضا داشت تا سه عضو سازمان «الذوالفقار» با هواپیما ربایان یکجا شوند. به تروریستان مبلغ ۴۵۰۰ دالر پول نقد، آله انفجاریه ساعتی، سه ماشیندار کلاشینکوف با مهمات آن و چهار بم دستی داده شد. در همین هنگام ضیالحق رئیس جمهور پاکستان از برژنف خواست دولت افغانستان را وادار سازد تا هواپیما و مسافری آنرا آزاد کند. سروصدای تبلیغاتی زیادی در مورد رژیم تروریست و دهشت افغان پاکستان راه اندازی شد و سپس تصمیم گرفته شد تا با موافقه طرابلس هواپیما به لیبیا پرواز داده شود. قذافی رهبر لیبیا وعده کرد تا به هواپیماربایان پناهندگی سیاسی داده و گروگانان را در اردوگاهی نگهداری کند. زنان سرنشین هواپیما اجازه یافتند طیاره را ترک کنند، سپس هواپیما سوخت گیری نموده از کابل پرواز کرد.

در فروری ۱۹۸۲ سازمان مخفی «رهایی» یکجا با چاپ خانه و دستگاه رادیویی «واخاف»^۳ آن از بین برده شد. این سازمان ارتباطات گسترده بی با استادان، دانشجویان و کارمندان دفتری در کابل و سایر شهرهای افغانستان داشت. ۳۱ کارمند رسمی، ۶۰ دانشجو و شاگرد مکتب، ۷ معلم، ۱۳ کارگر، ۹ فروشنده و بازارگان و ده منسوب اردو که جمله ۱۳۰ تن می شدند دستگیر گردیدند.

در نیمه اول ۱۹۸۲ خاد در ۷۵۰ عملیات گسترده و محلی سرکوب جنگجویان مخالف سهم گرفت. اضافه از ۴۵۰ حمله هوایی و توپچی بر مراکز جنگجویان ضد رژیم بر اساس گزارش عوامل خاد انجام یافته در حدود ۳۰۰ کمیته سازمان های اسلامی از بین برده شد و ۶۰۰۰ نفر اعضای آنها بازداشت گردیدند.

یک وجه مهم کار خاد تلاش برای پاشاندن گروه های پارتیزان و تشویق آنها به دست کشیدن از مبارزه مسلحانه بر ضد دولت بود. به اثر تلاش های خاد ۲۵۰ گروه مسلح مخالف اسلحه خود را بزمین گذاشته در ۵۰ گروه دفاع خودی تنظیم شدند و مذاکرات با سرکردگان ۱۶۲ واحد دیگر راه انداخته شد. کی جی بی به ایجاد آنچه «دسته های کاذب» نامیده می شد اهمیت زیادی قایل بود. این دسته ها خود را دسته های مسلح اشرا^۴ وانمود می کردند و علیه گروه های مجاهدین واقعی وارد عملیات شده هرگاهیکه فرصت دست می داد به کشتار و نابودسازی

^۱ یک گروه متمایل به چین نیز در شهر مزار شریف کشف و امحا گردید - (یادداشت نویسنده)

^۲ مرتضی بوتو پسر ذوالفقار علی بوتو صدراعظم و سپس رئیس جمهور پاکستان (۱۹۷۱-۱۹۷۷) و برادر بینظیر بوتو بود که دوبر صدراعظم پاکستان گردید. پدرش در سال ۱۹۷۸ با کودتای جنرال ضیا الحق از قدرت سرنگون و در سال ۱۹۷۹ به امر ضیا الحق بدار آویخته شد. - برگرداننده

^۳ Vakhav کذا فی الاصل. تاجیکیکه از اهل خیره سازمان رهایی افغانستان پرسش بعمل آمد این نام و این رادیو شناخته نشد و نه سازمان رهایی در آن زمان مالک و گرداننده دستگاه رادیویی بود - برگرداننده

^۴ روس ها مجاهدین و جنگجویان شامل جنگ مقاومت ضد روسی مردم افغانستان را بنام «دشمن» یاد می کردند و این کلمه را به شکل اسم خاص بکار می بردند که به همین ترتیب وارد قاموس زبان روسی شده است، درست مانند کلمه «بسمچی» که شصت سال پیش از آن به مبارزین ضد روسی تاجکستان و ازبکستان امروزی اطلاق می شد. درین ترجمه بجای کلمه «دشمن» که از طرف روسها بکار می رفت ولی برای ما منحیث اسم خاص نامائوس است کلمه «اشرا» که مروج روس پرستان خلقی و پرچی بود بکار گرفته شده است. - برگرداننده

آنها می پرداختند. آنها تصادفات و برخوردها بین گروه های مختلف پارتیزان ها را زمینه سازی و تحریک می کردند و هرگاه ایجاب می کرد ظاهراً از مبارزه مسلحانه خود علیه دولت دست کشیده خود را به مقامات تسلیم می کردند یا به صف دولت می پیوستند. در اکتوبر ۱۹۸۲ به تعداد ۸۴ چنین دسته مجاهدین کاذب وجود داشت و تا جنوری ۱۹۸۳ دوی دیگر نیز تشکیل گردید.

در سال ۱۹۸۲ ارگان های امنیتی اضافه از ۱۵۰۰ عضو سازمان های مختلف مخفی را دستگیر، در حدود ۲۰۰ گروه بندی ضد دولتی را سرکوب، ۱۷۰ گروه چپ افراطی را خنثی و تظاهرات کتلوی ضد دولتی را که بمناسبت چهارمین ساگرد انقلاب ثور و اعیاد مذهبی تدارک دیده می شد فروپاشاندند. آنها ۲۷ گروه تروریستی مشتمل بر ۳۰۰ نفر را از بین برده و ۲۰۰ واحد دفاع خودی را در مناطق زیر کنترل دولت ایجاد کردند. در طی سه ماه اول ۱۹۸۳ ارگان های ولایتی خاد با استفاده از کشف و گزارش ۸۰۰ ایجنت که بداخل گروه های پارتیزانی نفوذ داده بودند ۱۴۰ حمله هوایی و ۳۶۰ حمله محلی را راه اندازی نمودند.

کی جی بی کوشش می کرد تا سربازان سرحدی را به شکل یک نیروی مطرح و قابل حساب تنظیم و تبارز دهد. تعداد آنها که تا سال ۱۹۸۳ به ۲۷۷۱۵ نفر می رسید ۴۳,۷٪ نیروهای مسلح را تشکیل می داد. تناسب آرمانی سربازان سرحدی در برابر اردوی منظم ۱/۳ است. کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و شورای انقلابی کمیسیون خاصی در ارتباط با امور مکلفیت عسکری در نیروهای سرحدی بوجود آورده بود اما تعداد سربازان این نیروها بخاطر میزان بلند فرار از خدمت هیچگاهی تکمیل نمی شد. بطور مثال از جمله ۵۶۰۰ سرباز پیشکی در سال ۱۹۸۲ دوهزار نفر آنها فرار کردند اما برنامه برای ایجاد ۱۰ لوی سرحدی، ۲۰۷ بطریقه کشف توپوگرافیک و ۱۴۵ بطریقه هاوان وجود داشت. از جمله ۱۷۳۲ افسر نیروهای سرحدی ۱۳۰۰ آنها عضو ح.د.خ.ا. و اضافه از صد تن آنها در اتحاد شوروی آموزش دیده بودند.

استخبارات نظامی در بخش اوپراتیفی (عملیاتی) خدمات مؤثری برای قوای مسلح انجام می دهد. در سال ۱۹۸۱ پنجمصد و شصت عضو استخبارات نظامی اداره و کنترل کار ۳۸۳۸ عامل و ۱۷۵۶ عضو همکار را به عهده داشتند که به همکاری آنها ۲۵۶ دسته مبارزین مخفی ضد دولتی با ۱۸۰۰۰ عضو و نیز ۵۰ عامل اشرا کشف گردیدند.

نماینده کی جی بی بر این امر آگاهی داشت که تعداد زیادی از منسوبین اردو و قوای سرحدی هواخواه اخوان المسلمین، ستم ملی و شعله جاوید بودند که این امر بر انضباط و دسیلین اردو اثر سخت منفی داشت.

در صفوف پولیس ۷۳۰۰۰ کارمند نظامی وجود داشت و قرار بود تعداد شان در سال ۱۹۸۳ به ۸۵۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰ نفر بالا برده شود. اضافه از ۵۰۰۰ افسر و ضابط در اتحاد شوروی آموزش دیده بودند. جزوات های خارندوی در سال ۱۹۸۲ چهارصد عملیات را انجام داده و در ۱۰۰۰ عملیات با اردو مشترکاً سهم گرفت.

ارگان های امنیتی با دقت خاص برای روز های تعطیلات دولتی آمادگی گرفته و اهتمام می کردند. برای پنجمین سالگرد انقلاب ثور تدابیر پیشگیری کننده در داخل و اطراف پایتخت و در طول راه هایی که می توانستند مورد استفاده اشرا قرار گیرند گرفته شد. تصفیه های پیشگیری کننده در ۱۲ ناحیه شهر و روستاهای نزدیک پایتخت صورت گرفت. یازده واحد نیروی عملیاتی اضافی هر یک متشکل از ۵۰ سرباز، و ۳۰ واحد کمین هر یک متشکل از ۲۰ سرباز ایجاد گردیده اشخاص مشکوک و ناشناس در هر وقت شب و روز در همه نقاط پایتخت بازداشت و مورد بازجویی قرار می گرفتند. ارگان های امنیتی از ۲۱ اپریل تا ۱۰ می تدابیر فوق العاده امنیتی را بکار بستند که در طی آن در حدود ۷۰۰۰ سرباز خارندوی یعنی قریب سه برابر تعداد معمول افراد گشتی شب و روز در گزمه بودند و نیروهای احتیاط سراپا مسلح سیار در هر ناحیه به حالت آماده باش قرار داشتند. خارندوی برای نظارت بر نقاطی که از آنها می شد با راکت یا سلاح سنگین بر مراسم رسم گذشت آتش باری نمود پوسته های دیده بانی ایجاد کرد و خاد دیده بانی خود را بر نقاط و مسیرهایی که خارجیان عبور و مرور می کردند افزایش داد. کارشناسان ریاست ۹ کی جی بی که در نگهبانی سران کریملین تجربه داشتند نگهبانی رهبری افغانستان را به عهده گرفتند.

کار اجباری در زندانهای افغانستان بار اول در سال ۱۹۸۱ با نمونه گیری از زندانهای شوروی رایج گردید و در سال اول از تولیدات زندان ۳۰ میلیون افغانی مفاد بدست آمده و ۶۱۰۰۰ جوره یونیفورم و زیرپوشی برای استفاده پولیس نظامی در کارگاه های زندان پلچرخ تولید گردید.

در می ۱۹۸۲ بخش خدمات استخباراتی در وزارت امور داخله ایجاد گردید. ارگان جداگانه‌ی در چوکات خاد بنام ریاست فدا (ریاست استخبارات خارجی) یاد می‌شد که برای پوشاندن هویت آن فقط بنام ریاست ۱۰ یاد می‌گردید. این ریاست متشکل از ۱۴ مدیریت در مرکز و ۱۰ شعبه در چوکات مدیریت های خاد در ولایات همجوار ایران و پاکستان و در شهر های هرات، فراه، کندهار، خوست، جلال آباد، نیمروز، هلمند، زابل، پکتیا و کندز بود. بخش قبایل و بخش امور مهاجرین غیرقانونی نیز در چوکات این ریاست وجود داشت. در جون ۱۹۸۱ خدمات اطلاعاتی به تعداد ۳۷۰ نفر کارشناس داشت که همه مشتمل بر اعضای قابل اعتماد ح.د.خ.ا. بودند که تعلیمات خاص را در اتحاد شوروی فرا گرفته بودند. به گفته لنین «یک کمونیست خوب در ضمن یک چکیست خوب نیز است». پوسته های اطلاعاتی هریک متشکل از سه یا چار کارمند زیر پوشش شعبات وزارت اقوام و قبایل در مناطق سرحدی کار می‌کردند. مسئول این بخش احمدشاه پایا فرزند غلام حیدر بود که کورس های جاسوسی را در تاشکند گرفته بود.

هدف از ایجاد خدمات اطلاعات دولتی پیشبرد کار استخباراتی و جاسوسی علیه پاکستان، ایران و سایر کشورها، بدست آوری معلومات پیشگیری کننده در مورد مهاجرین افغانی و دستگاه های خدمات خاص ایالات متحده، چین و کشورهای اسلامی و تأسیس اقامتگاه های استخباراتی در خارج کشور بود. مشاور روسی ریاست خدمات اطلاعات دولتی لژنین (یوری)^۵ کارشناس امور ایران بود که از ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۹ در آن کشور کار کرده بود. ریاست اول خاد مسئول استخبارات پاکستان و ریاست دوم آن مسئول استخبارات ایران بود و اقامتگاه های خاد در شهرهای کویت، پشاور، اسلام آباد، دهلی، بمبئی، تهران، مشهد، بن، انقره، کویت، کراچی و چمن وجود داشت. ارتباطات و مخابرات این نمایندگی ها با کابل با استفاده از شفرهای شوروی ها از طریق اقامتگاه های کی جی بی شوروی صورت می‌گرفت.

در دستگاه اجنتوری خاد ۳۱۵ ایجنت (جاسوس حرفوی) و ۲۵۰ جاسوس همکار غیرحرفوی وجود داشت که از آنجمله ۱۰۷ ایجنت و ۱۱۵ همکار در پاکستان و ۳۹ عامل حرفوی و ۷۳ همکار در ایران فعالیت داشتند. بیست و شش عامل حرفوی خاد به مرکزیت تنظیم های مخالف اسلامی دسترسی مستقیم داشتند و ۴۸ ایجنت مخفی در میان صفوف مهاجرین افغانی کار می‌کردند. پانزده تن از افسران، کارمندان نظامی و اعضای خدمات خاص (استخبارات) پاکستان نیز به استخدام خاد درآورده شده بودند. هشت عضو خاد با اسناد رسمی در مراکز و شعبات تنظیم ها و احزاب مخالف در پاکستان و در رهبری احزاب صوبه سرحد شمال غربی و بلوچستان پاکستان نفوذ کرده و با مشران و بزرگان اقوام افریدی، مومند، توری و باجوری ارتباط برقرار کرده بودند. پانزده گروه عامل مشتمل بر ۴۵۵ نفر در ماموریت های خاص میان قبایل آزاد فعالیت داشتند که این فعالیت یک راز اشد محرم دولتی تلقی می‌شد. خدمات اطلاعات دولتی افغانستان مجراهایی داشت که از طریق آن ها می‌توانست به مرکزیت و قرارگاه های فرماندهی تنظیم ها و مراکز آموزشی مجاهدین افغانی و خدمات جاسوسی پاکستان و ایران نفوذ کند. افسران و عوامل جاسوسی خاد با اسناد حاجیان و بنام افغانانی که جهت کسب و کار به عربستان سعودی می‌رفتند در پی خرید پاسپورت های خارجی می‌برآمدند و به ماموریت فرستاده می‌شدند.

رویکش کار و عملکرد خاد در پاکستان کمیته بی بنام «کمیته مهاجرین وطن دوست» بود که نوشته ها و کست های ضبط صوت را پخش می‌کرد. آنها جهت بدنام ساختن محمد نبی محمدی، صبغت الله مجددی و گلبدین حکمتیار آنها را متهم می‌ساختند که برخلاف مصالح مردم افغانستان با رژیم های مرتجع اسلامی ارتباط دارند. بربنای اصل «تفرقه انداز و حکومت کن» تلاش صورت می‌گرفت تا دست یکی به گریبان دیگری انداخته شود. به تعداد ۸۰۰ جزوه ضد گلبدینی که گویا توسط مولوی محمد نبی محمدی رهبر حرکت انقلاب اسلامی نوشته شده بود در اخیر سال ۱۹۸۰ در کمپ های مهاجرین «برسکو»^۶ و «کچه گری» در منطقه پشاور انداخته شدند. در عین زمان نامه خصوصی که به مولوی محمد نبی محمدی هشدار می‌داد که گلبدین حکمتیار نقشه از بین بردن او را طرح کرده است از نام یک عضو ناشناس حزب اسلامی افغانستان نوشته شده و در دفتر وی گذاشته شد. کی جی بی همچنین یک نامه خصوصی از جانب گلبدین حکمتیار خطاب به فرمانده یکی از جبهات حزب اسلامی را بمنظور بی اعتبار ساختن حکمتیار در چشم رهبران مجاهدین و مقامات پاکستانی جعل کرد و تبصره جعلی یک روزنامه درین ارتباط را منتشر داد.

^۵ A.M. Lezhnin (Yuri)

^۶ Barsako کتا فی الاصل. این کمپ شناخته نشد - برگرداننده

بیست هزار ورقه تبلیغاتی (۱۵۰۰۰ آن بزبان پشتو و ۵۰۰۰ آن بزبان دری) حاوی ابلاغیه تاریخی اول جنوری ۱۹۸۱ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در مورد برگشت مهاجرین در ۵۹ موضع در بین پناهندگان افغان در پاکستان و ایران انداخته شد که ۳۷ ایجت درین فعالیت نقش داشتند.

با راه اندازی عملیاتی ویژه از طرف یازده گروه رزمی ریاست فدا اندیشه های تره کی و امین مینی بر ضربه زدن به پاکستان عملی ساخته شد. امین بتاریخ ۵ جولای ۱۹۷۹ به اوسادچی نماینده مقیم کی جی بی گفته بود که یگانه راه ضرب شصت نشان دادن به رهبری پاکستان آشفته سازی وضعیت سیاسی داخلی آن کشور و سازماندهی آشوب در ایالت سند بود. «ما با ادامه دادن این کار به مدت سه یا چهار ماه پاکستانی ها را با معضله بی روبرو خواهیم ساخت که بسی وخیم تر و جدی تر از آنچه که آنها درینجا انجام می دهند خواهد بود. تره کی در صددست که چگونه درین مورد عمل کند.» این مفکوره نتیجه مسافرت پسر ذوالفقار علی بوتو صدراعظم پیشین پاکستان و اسلم بنارسی یک ملی گرای شناخته شده سندی و عضو سیاسی فعال حزب مردم پاکستان (پیپلز پارتی) بود که در می ۱۹۷۹ به کابل انجام داد. وی از حکومت افغانستان در کار مبارزه علیه ضیا الحق یاری خواست و درخواست نمود تا حکومت افغانستان اجازه دهد از قلمرو این کشور برای این منظور استفاده شود.

در اخیر دسمبر ۱۹۸۰ میر هزارخان رهبر بلوچ های پاکستانی که برای راه اندازی جنگ در بلوچستان و آزادساختن آن بقرار بود با نجیب الله مذاکراتی در افغانستان انجام داد. نجیب الله به وی وعده سپرد تا ۴۰۰ آموزگار نظامی یکجا با حنگ افزار و مهمات و ۱۵۰ قبضه کلاشینکوف برای این منظور برایش بدهد. سه کمپ برای آموزش نظامی بلوچ های کشورهای همجوار ایجاد شد و حینی که خیربخش مری رهبر بلوچ ها در اپریل ۱۹۸۲ از کارمل تقاضای کمک مالی و نظامی نمود خاد دو کمپ دیگر را نیز برای آموزش سربازان رزمی که تیر پشت و ستون فقرات قطعات چریکی بلوچ در جنگ علیه پاکستان و ایران را تشکیل می دادند ایجاد کرد.⁷

کی جی بی پیهم اصرار می کرد که با روحانیون و سران اقوام با حوصله مندی و انعطاف پذیری کار صورت گیرد چون این اشخاص بر مردم کشور نفوذ معنوی داشته و می توانستند آنها را به پشتیبانی از رژیم تشویق کنند⁸ ولی ستراتیژی جنگ بدست خود کی جی بی تغییر داده شد. مارشال سک洛夫 معاون وزیر دفاع، مشاور حزبی کوزلوف، نمایندگان کی جی بی و سفارت شوروی در کابل در اواسط ۱۹۸۰ طرح ضربه نظامی بر قبایل خدران ولایت پکتیا و سرکوب نیروهای مولوی جلال الدین حقانی را ریختند و کارمل را در جریان گذاشتند اما همین اشخاص در سپتمبر همان سال بر علیه راه اندازی هرگونه عملیات وسیع نظامی رأی داده و تصمیم گرفتند تا کار را بر آشفته سازی روابط قبایل با شورشیان ضد دولتی تمرکز دهند. انصراف از طرح ریخته شده به دلیل دشوارگذار بودن اراضی منطقه و عمدتاً به سبب رقم درشت افرادی بود که در چنین عملیات درگیر می شدند چون تعداد جوانان قبایل خدران به ۹۰۰۰۰ نفر می رسید که از آنجمله ۲۰۰۰۰ آنها مسلح بودند. برای تقنین و آشفته سازی روابط قبایل و شورشیان مبلغ ۴۱ میلیون افغانی اختصاص داده شد. کارکنان سیاسی به قبایل فرستاده شدند و اوراق تبلیغاتی دولت از هوا بر سر آنها ریختانده شد. فیض محمد وزیر اقوام و قبایل تلاش کرد با سران قبایل مذاکراتی را راه اندازد اما کشته شد. مقامات کابل درین ارتباط مولوی جلال الدین حقانی را به کشتن فرستاده پیام رسان و زیرپا کردن رسم اسلامی مهمان نوازی متهم ساختند.

خاد با ۳۱۵ تن از سران و مشران قبایل مذاکراتی را راه انداخت. این سرکردگان از ۱۸ قبیله بزرگ که در کل مشتمل بر یک میلیون نفر بودند نمایندگی می کردند. برخی ازین قبایل از کمک های مادی خاد مستفید شده به رهبران شان رشوه داده می شد و دسته های مسلحی از افراد آنها استخدام می گردیدند تا بخش هایی از مرزهای افغانستان با پاکستان و ایران را تحت دیده بانی و مراقبت بگیرند.

⁷ فعالیت هایی که روی آنها توافق صورت گرفت در مذاکرات میان کارمل و نازیشن امروخوان منشی عمومی حزب کمونیست پاکستان نیز مطرح شد. آنها تلاش کردند برای این منظور دست نشانده های افغانی بیابند و آنها را بیشتر وابسته و متکی بر اشغالگران سازند. (یادداشت نویسنده)

قابل توضیح است که تأیید نام منشی عمومی حزب کمونیست پاکستان از هیچ منبعی میسر نشد و بس محتمل است که آنگونه که میتروخین یادداشت کرده اشتباهی و نادرست باشد. - برگرداننده

⁸ تابییف بر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی فشار می آورد تا جایزه بین المللی این سینا (APN) را به سعید افغانی رئیس شورای علما و روحانیون جمهوری دموکراتیک افغانستان اعطا نماید (یادداشت نویسنده) [درینجا ۲۵ سطر کشیده شده است]

کنترول ۳۴ ولسوالی در ولایات غور، ارزگان و بامیان بدست «اتحاد شیعی اسلامی هزاره جات»^۹ بود که قیام علیه تره کی و امین را رهبری کرده و یک نیروی پر قدرت نظامی را تشکیل می داد. خاد توانست با روحانیون و رهبران شیعه ارتباطاتی برقرار ساخته و ملاقات آنها را با کارمل ترتیب دهد. اقامتگاه کی جی بی و ریاست پنج خاد در سال ۱۹۸۱ با «وطنپرست»^{۱۰} یکی از فرماندهان نظامی هزاره جات تماس برقرار کرد و با او وارد معامله بی گردید که سرانجام منجر به توافق وی برای همکاری شد و در مقابل انحلال «اتحاد اسلامی هزاره جات» مقامی برای «وطنپرست» در دستگاه دولتی داده شد. خاد بجای این اتحاد منحل سازمان «هزاره جات جوان» را ایجاد نمود که تحت اداره و کنترول خودش بود.^{۱۱}

ارگان های امنیتی در دسمبر ۱۹۸۲ با سید حسین شاه مسرور یک رهبر و شاعر شناخته شده شیعی در شمال کشور که در رأس یک گروه چریکی قرار داشت و «پشتون سازی» ولایات شمال توسط تره کی و امین و پیگرد و سرکوب حقوق هزاره ها را تقبیح می کرد به مذاکره آغاز نمود و با کارگیری از اصل «تفرقه انداز و حکومت کن» او را منحیث یک متحد به کنار خود کشاند. به امر سید حسین مسرور چار عملیات بمباران هوایی بر مراکز گروه های چریکی رقیب در ولایات بلخ و جوزجان صورت گرفت.

اقدامات درازمدت و بغرنجی بمنظور پایان بخشیدن به فعالیت های منفی روحانیون و تشویق آنها به همکاری با مقامات رویدست گرفته شد اما موفقیت چندانی در قبال نداشت و از ۳۰۰۰۰۰ نفر روحانی کمتر از ۲۰۰ نفر به صف بدلی و قرار گرفتن در کنار دولت برانگیختانده شدند، اما خطیبان همه مساجد زیر نظر و کنترول دستگاه اطلاعاتی قرار گرفتند.

کار توضیحی در بین مردم از طریق ارگان های امنیتی صورت می گرفت. کنفرانس های مطبوعاتی با اشتراک مجاهدین راستین و دروغین و گردهمایی هایی در پشتیبانی از سیاست های حکومت دایر می گردید و ورق پاره ها و جزوه هایی در توضیح اصلاحات اقتصادی و فرهنگی در کشور توزیع می گردید.

انگاشت اقامتگاه کی جی بی و نمایندگی آن در کابل آن بود که ارگان های امنیتی افغانی با اقدامات ویژه ای که اتخاذ می کردند کار نکویی انجام داده به عادی سازی وضعیت کمک می کردند و دستاورد ها در عرصه های اجتماعی اقتصادی، سیاسی و نظامی را گسترش و توسعه می دادند.

تمویل دستگاه سرکوب دولت افغانستان عملاً، در کل و بصورت دائمی توسط شوروی ها صورت می گرفت. دولت افغانستان با کسر شدید بودجه مواجه بود. قروض داخلی دولت افغانستان را که اضافه از ۱۶ میلیارد افغانی بود شوروی ها پرداختند. قروض خارجی دولت ۱,۶ میلیارد دالر یا بیشتر از ۸۰۰ میلیارد افغانی یا ۳,۷ چند عاید سالانه دولت بود.

نمونه هایی از کمک های داده شده درینجا ارائه می گردد: در جنوری ۱۹۷۹ مبلغ ۲۰ میلیون روبل طلا (روبل قابل تسعیر) برای کارهای استخباراتی آگسا و وزارت دفاع به امین داده شد. در سال ۱۹۸۰ مبلغ یک میلیون روبل قابل تسعیر برای مقاصد خاص، ۲۰۰,۰۰۰ روبل قابل تسعیر برای ارگان های امنیتی مناطق اطراف و ۱,۶ میلیون روبل قابل تسعیر برای کار میان اقوام و قبایل به خاد داده شد. در سال ۱۹۸۱ مبلغ ۲۵۰ میلیون روبل طلا

^۹ تا جایی که پژوهش صورت گرفته توانست سازمانی با چنین نام هرگز در مناطق هزاره و شیعه نشین وجود نداشته است و احتمال زیاد می رود میتروخین این نام را از یادداشت های پراکنده و آشفته ای که بدون بیختر صحت و سقم در آرشیف کی جی بی ثبت شده بود یادداشت کرده است. موجودیت گزارشات نادرست و حتی مغرضانه در ارتباط به نیروهای مقاومت ضد روسی شاید زیاد هم شگفتی آور نباشد. اهل خبره ای که درین مورد از آنها پرسش به عمل آمد خاطر نشان می سازند که درطول سالهای جهاد و جنگ مقاومت در افغانستان هیچ سازمان متعلق به برادران شیعی مذهب کلمه «شیعه» یا «شیعی» را در ترکیب نام خود بکار نبرده است. یکی از کارشناسان درمورد این بیان میتروخین اظهار نظر می نماید که رهبری قیام شیعه ها و هزاره ها بر ضد دولت های تره کی و امین بدست «شورای اتفاق اسلامی افغانستان» بود که نه تنها در ولایات ذکر شده توسط میتروخین بلکه بیشتر در ولایات غزنی و سمنگان نیز نفوذ داشت و در اساس گذاری و هم در مجاهدت های آن علاوه بر برادران شیعه و هزاره نمایندگان پشتون ها و تاجک های این ولایات نیز سهم داشتند. — برگرداننده

^{۱۰} نویسنده ترجمه این نام را آورده (Patriot) که می تواند «وطن دوست» نیز گفته شود. به هر حال، هویت این فرمانده شناخته نشد. — برگرداننده

^{۱۱} آگاهان برین نظرند که این سازمان «هزاره جات جوان» اگر هم وجود داشته روی کاغذ و شاید ترفند چند تن خادبست هزاره بوده است چون نه کسی از آن خبر دارد و نه هم هرگز می توانسته در هزاره جات به نفع دولت کار کند. — برگرداننده

بخاطر معاشات اعضای خاد انتقال گردید، برای هریک از منشی های کمیته های ولایتی یک عراده موتر داده شد و ساختمان انستیتوت علوم اجتماعی و عمارت کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بصورت کامل از کمک مالی اتحاد شوروی تمویل گردید. مبلغ ۳۰,۸۰۰ روپل به بخش استخبارات سرحدی داده شد و در سال ۱۹۸۳ مبلغ ۴۰,۰۰۰ روپل دیگر به آن اضافه گردید. گذشته از آن ارباب قدرت شوروی دست به جیب برده بمنظور تادیبه معاشات ۱۲,۰۰۰ ملا و خطیب شهرها و ۳۸,۰۰۰ ملا و خطیب روستاها مبلغ ۵ میلیون روپل قابل تسعیر در سال ۱۹۸۰ و ۱۰ میلیون در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ بذل کردند که ازین جمله یک میلیون روپل برای رشوه دهی به شماری از شخصیت های برجسته اسلامی و خوش و راضی نگهداشتن آنان اختصاص داده شده بود.

در سال ۱۹۸۰ جنگ افزارها و مهمات نظامی به ارزش ۱۱۰ میلیون روپل طلا به افغان ها داده شد و این رقم در نیمه اول سال جاری^{۱۲} به ۷۰ میلیون روپل بالغ گردید. نیازمندی های عمومی اضافی به ۷۴۰ میلیون روپل طلا می رسید که ازین جمله ۲۲۵ میلیون روپل برای اردوی افغانستان، ۱۸۰ میلیون برای بخش کشاورزی و ۳۶۰ میلیون برای بخش صنعتی اختصاص داشت.

واحدهای «شرشره» کی جی بی در موازات هم با اختیارات وسیع در سراسر کشور فعالیت داشتند و علاوه بر اعمال دهشت افگنی، خرابکاری و جذب عامل و ایجنت، کار را در میان اقوام و قبایل پیش می بردند و در آشفته سازی فعالیت های مجاهدین و ایجاد واحدهای دفاع خودی نیز دست داشتند. آنها مخیران و خیرچینان، راه بلدان و سائر عوامل را جهت افشای مخفی گاه های شورشیان در شهرها، کشیدن نقشه خانه ها و مسیرهای رفت و آمد آنان جذب می کردند. کی جی بی مبارزات آزادیخواهانه مجاهدین افغان را از بسی جهات با جنبش بسمچی^{۱۳} اتحاد شوروی مقایسه می کرد و بنابراین مناسب می دانست که شیوه ها و تاکتیک های چکا در برابر بسمچی ها را در کارزار افغانستان اعاده کند.

سردمداران کی جی بی، اقامتگاه کی جی بی و نمایندگی کی جی بی در کابل، قطعات «شرشره»، گروهی از مشاورین وزارت داخله، اقامتگاه استخبارات نظامی شوروی (جی آر یو) و نمایندگان بخش استخبارات ارتش شوروی در افغانستان بتاریخ ۱۹ نومبر ۱۹۸۰ در کابل مجلسی تشکیل دادند تا بر انسجام و هماهنگ سازی جمع آوری اطلاعات در مورد شورشیان و جنبش مخفی مقاومت و شیوه های استفاده از اطلاعات مذکور و مبارزه علیه شورشیان بحث نمایند. یک گروه هماهنگی متشکل از اعضای اقامتگاه کی جی بی و نمایندگی آن، واحد های «شرشره» و اقامتگاه جی آر یو تشکیل گردید تا اطلاعات بدست آمده را تحلیل کرده و پیشنهادات مشخصی را بر مبنای آن فرمولبندی و به فرماندهی نظامی شوروی ارائه دارند. به ارگان های کی جی بی وظیفه سپرده شد تا ایجنت هایی را برای نشان دادن اهداف بمباران و حمله هوایی، و راه بلدانی را برای راهنمایی به مراکز تجمع جنگجویان ضد دولتی تهیه بدارد. درین مجلس ایوانوف از ریاست عمومی اول کی جی بی و ایواشوتین^{۱۴} رئیس جی آر یو که معاون اسبق کی جی بی بود اشتراک داشتند.

افسران عملیاتی یکی از واحدهای «شرشره» از طریق عوامل خود در آغاز سال ۱۹۸۱ با خواجه شیر آقا چونغر سرکرده تاجک سنی مذهب ۴۵ ساله یک گروه ۲۵۰ نفری اشرار در ولایت هرات شناسایی شخصی بهم رسانده به دیدن او بدون حمل سلاح رفتند و او را متقاعد ساختند تا از در همکاری پیش آمده از مبارزه دست بکشد. آنها از چونغر درخواست کردند که برای اجتناب از خلع سلاح کردن گروهش باید علیه یاران و همدستان سابق خود سلاح بردارد. چونغر (با نام مستعار «ابی») سخت کوشانه هدایات کی جی بی را اجرا می کرد و فعالانه در سرکوب گروه های مقاومت و پیاده سازی ماموریت های ویژه علیه رهبران آنها کمک کرده معلومات، راه بلدان و مخیران لازم را در اختیار واحد «شرشره» قرار می داد. گروه مربوط به چونغر بر خطوط مهم مخابراتی و مواصلاتی و ۴۸ قریه استیلا و کنترل داشت. چونغر با خدمات صادقانه اش اعتماد کی جی بی را بدست آورد چنانکه کی جی بی ۶۴۰ تن جنگنده دیگر را نیز برای پیوستن به گروهش اختصاص داد. نیروهای مربوط به

^{۱۲} کذا فی الاصل - برگرداننده

^{۱۳} در طی سالهای ۱۹۲۰ ماسکو با فایق آمدن بر مقاومت شدید شورشیان محلی آسیای مرکزی که بنام بسمچی یاد می شدند قدرت شوروی را در مناطقی که قبل بر آن زیر سیطره روسیه تزاری قرار داشت تحکیم بخشید. شمار زیادی از شورشیان به کشور مجاور افغانستان گریختند و از خاک آنکشور منحبث پناه گاه برای راه اندازی حملات در آسیای میانه شوروی استفاده می کردند. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^{۱۴} P.I. Ivashutin

چونگر از اپریل ۱۹۸۱ تا مارچ ۱۹۸۲ چه مستقلانه و چه یکجا با یک واحد «شرشره» در ۲۱ عملیات عمده رزمی سهم گرفتند و ۳۱ فرمانده گروه های مقاومت را نابود ساختند که در آن جمله یکی کمال قلبه گزی با دومعاونش و دیگری قیوم ترکان بود که این اخیرالذکر مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کولازنکو^{۱۵} را اسیر گرفته بود. نیروهای چونگر همچنین فرمانده گروه «کوبالت»^{۱۶} را که مسئول حملات جسورانه بر سربازان شوروی در هرات و مناطق دور و پیش آن بود به قتل رساندند. در مجموع گروه چونگر با خیانتکاری خود ۲۰,۵۰۰ نفر را کشته و ۸۰ تن را اسیر گرفتند.

در مارچ ۱۹۸۱ به چونگر و دومعاونش مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ افغانی (۴,۵۰۰ روبل قابل تسعیر) داده شد و به تعقیب آن در ماه اپریل به هریک مبلغ اضافی ۱۵۰,۰۰۰ افغانی پرداخت گردید. همچنین به شخص چونگر یک میل تفنگچه «سنجکین» با هزار مرمی و نیز در تابستان ۱۹۸۲ سفر تفریحی در اتحاد شوروی هدیه داده شد.

افسران واحدهای «شرشره» و اعضای شعبه هشت ریاست «س» ریاست عمومی اول کی جی بی با چونگر کار می کردند. اینها شامل ژورافلیف فرمانده یک واحد «شرشره»، کوزلوف، گرانکین، ژورافلیف، پوتاپوف و دنسکوویچ مشاور ارشد نمایندگی کی جی بی در منطقه بودند.^{۱۷}

در سال ۱۹۸۲ با شمار دیگری از فرماندهان پارتیزان ها به شمول دیر اوراز ایلدی که رهبری دسته ۱۸۰ نفری در منطقه آقچه ولایت جوزجان را به عهده داشت و دیر عبدالله جان در علاقه داری فیض^{۱۸} آن ولایت، و همچنین آو عبدالله خانی^{۱۹} در منطقه البرز ولایت بلخ مناسبات محرمانه برقرار ساخته شد. از نیروهای این افراد به همانگونه که از نیروهای شیرآغا چونگر کار گرفته شده بود استفاده گردید. آغامحمد رحیم خان که دسته اش بخشی از نیروهای پارتیزانی ولسوالی قره باغ ولایت کابل را تشکیل می داد نیز تشویق شد تا از مبارزه دست بکشد. رحیم خان که در دوران های شاهی، جمهوری داؤد و حکومت تره کی و امین طی مدت دوازده سال بدون انقطاع شغل رهنی و راه گیری داشت به تشویق و حمایت کی جی بی ۲۶ تن از اعضای جمعیت اسلامی را از بین برد و سپس از طریق رادیو اعلام کرد که به صف دولت پیوسته است.

در سال ۱۹۸۳ و سکوبوینیکوف^{۲۰} به سمت نماینده کی جی بی در افغانستان و بریدجنرال کوسترومین^{۲۱} بحیث معاونش تعیین شدند. چار بست اضافی برای افسران عملیاتی که با زبان های دری و پشتو آشنایی و تجربه کار در ایران و پاکستان را داشتند ایجاد گردید. انیکییف^{۲۲} به صفت نماینده وزارت امور داخله اتحاد شوروی تعیین شد. کی جی بی نه دوست و نه دشمن را از زیر نظر دور نمی ساخت.

¹⁵ Kulazhenko

¹⁶ این نام یقیناً نامیست که روس ها و کی جی بی برین گروه گذاشته اند ولی شناسایی این گروه میسر نگردید - برگرداننده
¹⁷ V.S. Zhuravlev, Yu.M. Kozlov, S.M. Grankin, V.Ye. Zhuravlev, Potapov & M.M. Denskevich

¹⁸ کذا فی الاصل

¹⁹ کذا فی الاصل. شاید آق عبدالله خانی - برگرداننده

²⁰ B.N. Voskoboynikov

²¹ L.P. Kostromin

²² A.V. Akikeev